

مقدمه

قرآن به عنوان کتاب آسمانی، تنها کتابی است که از گزند تحریف و وجود هر گونه کژی و نقص مصون مانده است.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيَّ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا»^۱؛ «حمد مخصوص خدایی است که این کتاب (آسمانی) را بر بنده (برگزیده) اش نازل کرد، و هیچ گونه کژی در آن قرار نداد.».

کتابی است که بر بلندای قله رفیع و فصاحت و بلاغت، هدایت و رستگاری بشر را بر عهده گرفته است.

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ»^۲؛ «این قرآن، به راهی که استوارترین راه است هدایت می‌کند، و به مؤمنانی که اعمال صالح انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد.».

قرآن کتابی است که عالی‌ترین معارف گوناگون دینی و عقلی و غیره را در قالب اسلوب و ساختاری بدیع به جهانیان هدیه کرده است خداوند آن را بر پیامبرش که از جنس خود مردم بوده است، نازل نموده است تا بدان وسیله مردم را انداز دهد و به سوی خوبی‌ها دعوت نماید.

در میان موجودات عالم، آفرینش انسان، داستانی شگفت و شخصیتی پیچیده دارد. به طوری که در قرآن هم ستایش شده و هم مورد نکوهش واقع شده است. قرآن کریم آن گاه که انسان را می‌ستاید وی را برتر از فرشته‌ها می‌داند و او را مسجود فرشتگان و امانتدار الهی معرفی می‌کند و هنگامی که او را نکوهش می‌کند، او را پست‌تر از چهارپایان می‌داند و او را موجودی نادان، ناسپاس، ستمکار و فخرفروش می‌شناساند.

^۱ - کهف/ ۱.

^۲ - اسراء/ ۹.

این به آن خاطر است که انسان موجودی دو سرشتی است، نیش نور است و زیبا و ستودنی و نیم دیگرش ظلمت است و زشت و نکوهیدنی.

انسان می‌تواند با تکیه بر بعد فطری و نورانی خود در شاهراه هدایت گام نهد و استعداد های مثبت خویش را از قوه به فعل برساند و با سرعت بخشیدن در این راه، از خودش شخصیتی سالم و بالنده بسازد که در این صورت محبوب خداوند واقع می‌شود. همچنان که می‌تواند با تکیه بر طبیعت و بعد ظلمانی خود، از شاهراه هدایت منحرف گردد و کمالات وجودی خود را منکوب سازد و با گام نهادن در این بیراهه از خود شخصیت ناسالم بسازد که در این صورت مغضوب خداوند واقع می‌شود.

از آنجا که نص صریح قرآن و روایات به محبت خدا و رضایت خداوند و به غضب و خشم او و ثبوت این دو صفت برای او تصریح نموده‌اند، باید برای حب و غضب او رویکرد معلوم و روشنی وجود داشته باشد غیر از آنچه ما از محبت و خشم و غضب جسمهای خاکی می‌شناسیم. بنابراین منظور از محبت خداوند همان ثواب او و منظور از خشم و غضبش همان عذاب و عقاب اوست. همچنین منظور از غضب خدا، تغییر حالت نیست، زیرا ذات باری تعالی ثابت است.

بنابراین با توجه به اهمیت شناخت محبوبین و مغضوبین خدا و اینکه انسان می‌تواند با شناخت این دو گروه، سرنوشتش را (بهشتی یا جهنمی بودن) خودش رقم بزند و راه رسیدن به قرب الهی را بهتر بشناسد و با توجه به اینکه در مورد پژوهش حاضر، کتاب یا مقاله‌ای بطور مفصل و یکجا بحث نشده بود، مؤلف بر آن شد تا این چنین پژوهشی را ارائه دهد و خدمتی کوچک به قرآن و جامعه کرده باشد. در این پژوهش به این نتیجه رسیدیم که کسانی را که قرآن در همه شئون زندگی قبول داشته باشد محبوبین خدا هستند و کسانی را که در شکل زندگی قبول نداشته باشد، مغضوبین خدا هستند.

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

بخش اول: کلیات

بیان مسئله

هدف از زندگی در دنیا مهیا شدن برای زندگی آخرت و سعادت مند بودن در آنجاست. بنابراین باید راه‌های رسیدن به سعادت در آخرت را از قرآن کریم بیاموزیم. در قرآن کریم یکی از راه‌های آموختن راه سعادت و شقاوت، شناخت محبوبین و مغضوبین الهی است. تا بدانیم که خداوند چه کسانی را دوست دارد و آنها چه ویژگی‌هایی داشتند که محبوب خداوند واقع شدند. و چه کسانی را مورد خشم و غضب خود قرار داده است و آنها چه خصوصیتی داشتند که خداوند آنها را دوست نمی‌دارد؟ بنابراین آنچه در این پایان‌نامه به آن پرداخته شده است، شناخت محبوبین و مغضوبین خدا و بیان ویژگی‌ها و خصوصیات آنهاست.

البته در خصوص محبوبین و مغضوبین در قرآن به گروه‌های مختلفی اشاره شده است که با توجه به محدودیت پایان‌نامه، در این پژوهش به مهمترین گروه‌ها اشاره می‌گردد.

علت انتخاب موضوع. اهمیت و فایده آن

هدف از زندگی انسان رسیدن به قرب الهی است و انسان برای رسیدن به قرب الهی باید راه‌های آن را بشناسد اگر کسی بتواند محبوبین و مغضوبین خدا را از هم جدا کند و آنها را بشناسد زودتر می‌تواند به این مقام دست یابد.

اهمیت پایان‌نامه حاضر این است که این پایان‌نامه با معرفی این دو گروه آنها را از هم جدا کرده است و خواننده عزیز با خواندن این پایان‌نامه می‌تواند با توجه به ویژگی‌ها، کارها و رفتارهای این دو گروه مسیر خود را انتخاب کند و راه رسیدن به قرب الهی را بهتر بشناسد و در این دنیا نیز زندگی سعادت‌مندی داشته باشد.

سابقه پژوهش

در مورد سابقه پژوهش، کتاب یا پایان‌نامه‌ای بطور مجزا نوشته نشده است یا اگر هم نوشته شده باشد، حقیر به آن دسترسی پیدا نکردم. البته در مورد بخش‌های مختلف پایان‌نامه، در کتاب‌های اخلاق و همچنین در تفاسیر بطور پراکنده بحث شده است. از جمله تفسیر نمونه، تفسیر المیزان، اخلاق ناصری، نصیرالدین طوسی.

همچنین کتابی تحت عنوان محبوبین و منفورین خدا از حسین انصاریان نوشته شده است که مطالب را خیلی مختصر و در قالب آیات بیان کرده است.

سؤال اصلی پژوهش

سیمای محبوبین و مغضوبین خدا در قرآن چیست؟

سوالات فرعی پژوهش

- ۱- معنای حب و غضب چیست؟
- ۲- محبوبین خدا چند گروه هستند؟
- ۳- مغضوبین خدا چند گروه هستند؟
- ۴- محبوبین خدا چه ویژگی‌هایی دارند؟
- ۵- مغضوبین خدا چه خصوصیتی دارند؟
- ۶- آیا ملازمه سلب محبت خدا، خشم و عذاب الهی است؟

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- در قرآن کریم، صابران و محسنین، متوکلان، توابین، مجاهدان، متطهرین، مقسطین، متقین و پیروان رسول، محبوب خدا واقع شده‌اند.
- ۲- در قرآن کریم، مسرفین، مستکبران، ظالمان، کافران، معتدین، فرحین، خائنین و مفسدان مغضوب خدا هستند.
- ۳- سلب محبت خدا، خشم و عذاب الهی را به همراه دارد.

پیش فرض‌ها پژوهش

- ۱- خداوند متعال عادل است لذا رحمت و غضب او بر اساس عدل است.
- ۲- قرآن کریم کتاب هدایت است و برای هدایت بشر آمده است.
- ۳- هدف انسان رسیدن به قرب الهی است و انسان دوست دارد که محبوب خدا باشد و از اینکه مغضوب خدا باشد بر حذر است.

اهداف پژوهش

- ۱- شناخت محبوبان و مغضوبان خدا
- ۲- بررسی ویژگی‌های محبوبان و مغضوبان
- ۳- راه رسیدن به قرب الهی برای انسان، با شناخت این دو گروه آسان‌تر است.
- ۴- با شناخت این دو گروه انسان می‌تواند یا از افراد بهشتی باشد یا جهنمی و سرنوشتش دست خودش است.

روش پژوهش

روش پژوهش بیشتر یک روش توصیفی است که به توصیف این دو گروه پرداخته است و کتابخانه‌ای می‌باشد.

روش گردآوری اطلاعات

روش گردآوری مطالب به این صورت بود که پس از تصویب موضوع پایان‌نامه، دانشجو سعی کرد که با راهنمایی‌های اساتید راهنما و مشاور و با مراجعه به کتابخانه‌ها و سایت‌های مربوطه توسط اساتید راهنما و مشاور، مطالب را جمع‌آوری نموده و پایان‌نامه را ارائه دهد.

جنبه جدید بودن و نوآوری

از نظر نوآوری، استخراج و استناد مطالب به آیات قرآن می‌باشد. به گونه‌ای که برای عموم مسلمانان و مذاهب اسلامی قابل پذیرش است و حتی برای غیر مسلمانان که برای قرآن احترام قائلند و برای سعادت خود در تلاشند قابل بهره‌گیری است. در حالی که بیشتر محققان با صبغه حداثی نسبت به قرآن و حداکثری نسبت به روایات این گونه مباحث را مطرح کرده‌اند.

نتایج علمی و عملی پژوهش

در این پایان‌نامه به این نتیجه می‌رسیم که انسان با انجام اعمال نیک می‌تواند محبوب خدا واقع شود و با انجام کارهای زشت و بد خشم و عذاب الهی را برای خود رقم می‌زند. و سعادت و شقاوت انسان نیز در دست خودش است که با توجه به ویژگی‌های این دو گروه می‌تواند یا محبوب خدا شود یا مورد خشم او قرار گیرد و نتایج این تحقیق می‌تواند برای متون تربیتی آموزش و پرورش و سازمان جوانان و فیلم‌نامه‌نویسی صدا و سیما قابل استفاده باشد.

سازماندهی پژوهش

پژوهش حاضر دارای سه فصل می‌باشد که فصل اول خود دارای دو بخش است. بخش اول کلیات پژوهش مثل بیان مسئله، سؤال اصلی، سوالات فرعی، فرضیه‌ها، پیش‌فرض‌ها، پیشینه و ... می‌باشد و بخش دوم: مفهوم شناسی کلمات حب، غضب، ود، سخط و ... می‌باشد.

فصل دوم محبوبین خدا معرفی شده‌اند که شامل صابران، محسنین، متوکلان، توابین، متطهرین، مجاهدین، متقین، مقسطین و پیروان رسول اکرم ﷺ هستند. در فصل سوم نیز مغضوبان خدا معرفی شده‌اند که شامل گروه‌های زیر می‌باشند:

مصرفین، مستکبران، ظالمان، کافران، معتدین، فرحین، خائنین و مفسدان.

بخش دوم: مفهوم‌شناسی

معنای لغوی حبّ

حب به معنای محبوب و به شدت دوست داشتن^۱ و همچنین و داد و میل شدید و نقیض بغض^۲ بیان شده است.

«حب» فارسی معرب است این کلمه مصدر ثلاثی مجرد و از حب یحب حباً می‌باشد که

اصل معنی آن دوستی و دوست داشتن است.^۳

حب یعنی دوست داشتن و نقیض بغض می‌باشد که به معنی کینه و نفرت است.^۴

بنابراین با توجه به کتاب‌های لغت اصل معنای لغوی «حب»، دوست داشتن است.

معنای اصطلاحی محبت

محبت میل باطن است به عالم جمال، و آن دو گونه است محبت عام که میل قلب است به

مطالعه جمال صفات، و محبت خاص است که میل روح است به مشاهده جمال ذات.^۵

همچنین در مورد محبت چنین گفته‌اند: محبت یک نوع ارتباط وجودی و جاذبه خاص در

میان تکمیل‌کننده و معلول تکمیل‌شونده است و لذا ما افعال خود را دوست داریم، چون

وسيله کمال ما هستند.^۶

۱- حسین بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات قرآن، بیروت، انتشارات دارالعلم، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۳۹.

۲- محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۹۵.

۳- اسماعیل بن حماد، جوهری، تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۰۵.

۴- خلیل بن احمد، فراهیدی، العین، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۱.

۵- عزالدین، محمود کاشانی، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، تصحیح جلال الدین، همایی، تهران، انتشارات هما، ۱۳۷۶،

ص ۴.

۶- سید محمدحسین، طباطبایی، المیزان، قم، دفتر انتشارات حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۱۸.

همچنین در تعریف آن گفته‌اند: محبت مقامی است که به منزلهٔ پلی بین وادی همت و حالت انس می‌باشد. همت باید در محبت ادامه یابد چرا که محبت نهایت شدت طلب است و نهایت طلب هم با وصول به مطلوب حاصل می‌شود^۱

پس محبت یک نوع علاقه قلبی شدیدی است که انسان را به سوی محبوب و خواسته‌هایش می‌کشاند.

محَبُّ:

کسی است که نسبت به چیزی یا کسی علاقه پیدا می‌کند و در نتیجه به سوی آن میل و کشش پیدا کرده و به آن محبت می‌ورزد.

محبوب:

آن چیزی است که حب و علاقه بر او واقع می‌شود، حال ممکن است که این محبوب از امور مادی و نفسانی باشد مانند میل انسان به بوییدن بوهای خوش و یا برعکس ممکن است که محبوب انسان از امور معنوی باشد.^۲

عشق:

عشق در نزد عامه عبارت است از هیجان و شوق جنسی مستمر و غلبه محبت نسبت به محبوبی که وصال او مطلوب است و به این معنی در ادب فارسی به حد وفور مخصوصاً در غزل و تغزل و تشبیه متداول است و از آن به محبت و مهربانی نیز تعبیر می‌کنند اما در اصطلاح حکما و عارفان اسلامی، مخصوصاً در ایران غالباً مترادف و معادل حب و وُد به کار می‌رود و آن را عبارت می‌دانند از میل شدید به آنچه مطبوع و لذت‌بخش طبع است.^۳

^۱ - علی، شیخ الاسلامی، شرح منازل السائرین، تهران، مرکز فرهنگی و انتشاراتی آیه، ۱۳۷۹، ص ۱۵۰.

^۲ - سیده نصرت امین، بانوی اصفهانی، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، ناشر: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۱۶۴.

^۳ - دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، انتشارات مرکز دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۶۴.

وَدُّ:

وَدُّ به ضم «واو» دوست داشتن چیزی و آرزو کردن موجود بودن آن است. و در هر یک از دو معنی استعمال می‌شود زیرا تمنی، آرزو داشتن و دریافت کردن چیزی است و یا در بردارنده معنای دوستی است و میل رسیدن به چیزی است که آن را دوست داری.^۱

تفاوت محبّت و مودّت

محبّت، کشش درونی است نسبت به یک شیء و یا یک شخص که از آن به دوستی یاد می‌شود. اما مودت محبتی است ویژه و مخصوص که بازتاب بیرونی داشته باشد، یعنی نوعی از دوستی است که در آن محب، علاقه خویش را نسبت به محبوب اظهار می‌دارد.^۲

معنای لغوی غضب

غضب یعنی هیجان و جوشش خون قلب برای انتقام. «فلان غضبه» یعنی او تندخو و زود خشم است.^۳

غضب نقیض رضا و خشنودی است^۴ همچنین مصدر صحیحی است که بر شدت و قوت دلالت دارد.^۵

غضب حرکتی است در نفس به تندى و شدت در قبال چیزی دیگر. همچنین خارج شدن نفس است از حالت اعتدال و میانه‌روی به سوی تندى و سختی.^۶

بنابراین می‌توان گفت که اصل غضب به معنای خشم و تندى است.

^۱ - مفردات راغب، پیشین، ج ۳، ص ۴۳۱.

^۲ - محمدرضا، جعفری، «تدبری دیگر در آیه مودت» گلستان قرآن، سال سوم، شماره ۴۶، دی ماه ۷۹، صص ۲۸-۲۷.

^۳ - مفردات راغب، پیشین، ج ۲، ص ۷۰۱.

^۴ - لسان العرب، پیشین، ج ۱۰، ص ۷۹.

^۵ - احمد بن فارس بن زکریا، ابن فارس، معجم المقاییس اللغة، بیروت، دارالاسلامیة، ۱۴۱۰ ق، ص ۷۸۸.

^۶ - حسن، مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۲۳۲.

معنای اصطلاحی غضب

منظور از غضب کیفیتی نفسانی است که باعث حرکت روح از درون به بیرون برای غلبه و پیروزی می‌شود و مبدأ آن انتقام‌جویی است و اگر شدید باشد موجب حرکت شدیدی شده که به سبب آن، حرارتی در مغز و اعصاب پدید می‌آید و همچون دود تیره‌ای عقل را می‌پوشاند.^۱

غضب در اصطلاح علم اخلاق همان غلیان و جوشش خون است برای انتقام و از خطرناک‌ترین حالاتی است که بر انسان عارض می‌شود.^۲

بنابراین غضب در اصطلاح عبارت است از حالت انفعالی و دگرگونی خاصی در درون که انسان را به تعرض و انتقام‌جویی و فرونشاندن آتش درون وا می‌دارد.

کلمات مرتبط با غضب

الف) سخط:

سخط یعنی خشم و غضب^۳ همچنین سخط ضد خشنودی است و به معنی خشم است^۴
سخط: خشم شدیدی است که مقتضی عقوبت و بدفرجامی است و این سخط از سوی خداوند تعالی نزول و فرستادن عقوبت است.^۵
بنابراین همان طور که اکثر لغویون گفته‌اند سخط به معنی خشم می‌باشد که مترادف کلمه غضب است.

ب) لعن:

لعن طرد نمودن و دور ساختن از روی خشم است که در آخرت کسانی که مشمول این واژه هستند به عقوبت می‌رسند و در دنیا از رحمت و توفیق الهی بریده و محرومند.^۶
از این رو لازمه خشم خداوند طرد و دور نمودن افرادی است که مورد غضب واقع می‌شوند و آنها از رحمت خداوند به دورند.

^۱- احمد، نراقی، معراج السعادة، چاپ پنجم، انتشارات هجرت، سال ۱۳۷۷ هـ.ش.

^۲- محمدرضا، جباران، ترجمه اخلاق شیر، چاپ ششم، قم، انتشارات هجرت، سال ۱۳۸۰ هـ.ش، ص ۲۴۵.

^۳- التحقيق، پیشین، ج ۵، ص ۷۸ و فخرالدین، طریحی، مجمع البحرين، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۵۲.

^۴- لسان العرب، پیشین، ج ۷، ص ۳۱۲.

^۵- مفردات، پیشین، ج ۲، ص ۲۸۴.

^۶- همان، ج ۳، ص ۱۳۶.

فصل دوم:

«محبوبین خدا»

مقدمه

محبت انسان به خدا با محبت خدا به انسان فرق می‌کند. خداوند متعال کمال مطلق است و انسان نیاز مطلق. انسان خواستار کمال است پس به کمال مطلق عشق می‌ورزد و خواهان اوست ولی در برابر کمال خداوند هیچ کمال دیگری وجود ندارد.

پس منظور از محبت خدا به بندگان استکمال بنده است یعنی چون بنده به اختیار، طریق کمال را می‌گزیند خدا او را دوست دارد و در این کمال‌جویی او را یاری می‌دهد.

دوستان خدا اگر قلب را از محبت غیر او خالی کنند و هر چه را او می‌پسندد و فرمان می‌دهد عمل کنند و همواره به یاد او باشند، خداوند نیز آنان را دوست می‌دارد و کمال مطلوب آنان را به آنها اعطا می‌کند.

دربارهٔ محبوب شدن نزد خدا آمده است: «این بسیار مهم است که انسانی محبوب خدا شود. از آن جا که نظام آفرینش جنود الهی است (و لله جنود السموات و الارض)^۱ و اگر خدای سبحان نسبت به انسانی محبت داشت، همه نظام آفرینش به او عشق می‌ورزند. چون همهٔ آنها تابع ارادهٔ الهی هستند و اگر ارادهٔ الهی به صورت محبت، به انسان کاملی تعلق گرفت و چنین فیض ویژه‌ای دربارهٔ او ظهور کرد کل نظام محب او خواهند شد.»^۲

در قرآن کریم: صابران، محسنین، متقین، متوکلان، توابین، متطهرین، مجاهدین، مقسطین، و پیروان رسول اکرم ﷺ گروه‌هایی هستند که محبوب خدا معرفی شده‌اند. که در این فصل از پایان‌نامه به طور مفصل به این گروه‌ها پرداخته می‌شود.

^۱ - فتح/ ۴

^۲ - عبدالله، جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۶، ج ۱۲، ص ۲۵۴.

۱- صابران

یکی از گروه‌هایی که در قرآن کریم به عنوان محبوب خداوند معرفی شده‌اند، صابریین هستند: «... وَاللَّهُ يَحِبُّ الصَّابِرِينَ»؛ «و خداوند صابران را دوست دارد».

معنای لغوی صبر

الصبر: یعنی خویشتن‌داری در سختی و تنگی.^۱

صبر به معنای سختی را بر خود هموار کردن و عدم بی‌تابی و در انتظار آرامش و سکون بودن است.^۲

صبر در لغت به معنای حبس و امساک آمده است که صبر در این معنا یعنی خودداری کردن و خود را بازداشتن است.^۳

بنابراین در مجموع می‌توان صبر را به معنای استقامت در برابر مشکلات دانست.

معنای اصطلاحی صبر

صبر، خویشتن‌داری از هواها و هوس‌ها، خودداری از ارضای تمایلات و خواسته‌ها و شکیبایی ورزیدن است.^۴

صبر آن بود که نفس مقاومت کند با هوا تا مطاوعت لذت قبیحه از او صادر نشود.^۵

صبر عبارت است از نگاه‌داری نفس از بی‌تابی نزد مکروه.^۶

معرفی صابران

قرآن صابران را چنین معرفی می‌کند: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ

رَاجِعُونَ»؛ «آنها هستند که هر گاه مصیبتی به آنها رسد گویند ما از خدائیم و به سوی او باز می‌گردیم».

^۱ - آل عمران/ ۱۴۶.

^۲ - مفردات راغب، پیشین، ج ۲، ص ۳۷۱.

^۳ - ابراهیم، انیس، معجم الوسیط، بی‌جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۵۰۵.

^۴ - سید علی اکبر، قرشی، قاموس قرآن، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ص ۱۰۵.

^۵ - فضل بن محمد، طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲، ج ۳۷، ص ۲۶۲.

^۶ - نصیر الدین، طوسی، اخلاق ناصری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۳، ص ۲۲.

^۷ - نصیر الدین، طوسی، اوصاف الاشراف فی السیر العارفين و سلوکهم، بیروت، مؤسسة البلاغ، ۱۴۲۱ق، ص ۱۰۳.

^۸ - بقره/ ۱۵۶.

ذیل آیه آمده است: «صابران کسانی هستند که صبرشان از خواص صلابت جسم و خوی نفسانی نیست. چگونگی تفکر و دید جهانی و لطافت روح، آنها را صابر و پایدار ساخته و تازیانه مصائب بیدارتر، هوشیارتر و پایدارترشان ساخته است و فروغ ایمانشان را فروزان تر می گرداند.»^۱

همچنین گفته اند:

«صابران کسانی هستند که در مصائب استقامت به خرج داده و از پا در نمی آیند و هجوم سختی ها و رنج ها پایشان را نمی لغزاند. یک نفر موحد وقتی ناملایمی می بیند، نخست خود را در پناه دژ محکم صبر قرار داده و بدین وسیله نظام عبودیت را در داخل خود به دست گرفته و از اختلال آن و متلاشی شدن قوا جلوگیری می کند. سپس بر پروردگارش توکل جسته و امیدوار می شود که او را از شری که به او روی می آورد حفظ کند.»^۲

آیت الله جوادی آملی می فرماید: «برای رسیدن به مقام صابران باید مثل شترمرغ باشید که آهن و سنگ گرم را می خورد و این خطر را تحمل می کند و یا مثل افعی که استخوانهای درشت را می خورد و آنها را نرم می کند و یا مانند سمندر که در آتش فرو می رود و یا مانند خفاش که از روز می پرهیزد.»^۳

انواع صبر

گفتیم که منظور از صبر همان استقامت در برابر مشکلات و حوادث گوناگون است که نقطه مقابل آن جزع و بی تابی و از دست دادن مقاومت و تسلیم شدن در برابر مشکلات است. بیشتر علمای اخلاق صبر را به سه دسته تقسیم کرده اند:

^۱ - سید محمود، طالقانی، پرتوی از قرآن، تهران، ناشر، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۳.

^۲ - تفسیر المیزان، پیشین، ج ۱۱، ص ۱۴۲.

^۳ - تفسیر موضوعی قرآن، پیشین، ج ۱۰، ص ۳۱۳.

۱- صبر در معصیت ۲- صبر در مصیبت ۳- صبر در طاعت و به نظر می‌رسد که در این تقسیم‌بندی به حدیث شریفی که از پیامبر ﷺ به ما رسیده استناد کرده باشند که می‌فرماید: «صبر بر سه نوع است، صبر هنگام مصیبت، صبر در برابر طاعت و صبر در مقابل گناه».^۱ این تقسیم‌بندی را می‌توان به اعتبار محبوب یا مکروه بودن دانست. صبر در مصیبت و صبر بر طاعت، شکیبایی در امور ناخوشایند است که طبع انسان ذاتاً از آن بیزار است و صبر در برابر گناه، شکیبایی در امور خوشایند است که میل و هوای نفس انسان به آن گرایش دارد و نیز در این تقسیم‌بندی اموری مانند طاعت و معصیت تحت اختیار انسان قرار می‌گیرند و اموری مانند مصیبت‌ها همواره خارج از اراده انسان هستند و تحت اختیار انسان نیستند.

صبر در مصیبت یعنی ایستادگی در برابر حوادث تلخ و ناگوار و عدم برخورد انفعالی و ترک جزع و بی‌تابی، صبر بر طاعت: یعنی ایستادگی در برابر مشکلاتی که در راه طاعت خداوند وجود دارد و صبر بر معصیت یعنی ایستادگی در برابر انگیزه‌های نیرومند و محرک گناه.

^۱ - محمدباقر، مجلسی، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق، ج ۶۸، ص ۷۷.

ویژگی های صابران

خداوند در قرآن کریم ویژگی هایی را برای صابران بیان فرموده است که ما به شرح هر

کدام از آنها می پردازیم:

(الف) برخورداری از قدرت فکر و اندیشه

قرآن کریم صفات اولوالالباب (صاحبان اندیشه) را چنین بیان فرموده: «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو

الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ * ... وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ...»؛

«تنها صاحبان اندیشه متذکر می شوند و آنها که به عهد الهی وفا می کنند، و پیمان را

نمی شکنند و ... آنها که به خاطر جلب رضایت پروردگارشان شکیبایی کردند...».

در ذیل آیه چنین گفته اند: «اولوالالباب اشاره لطیفی است به صاحبان عقل، زیرا لب، در

اصل به معنی خالص هر چیزی است و عصاره خالص وجود آدمی همان عقل و اندیشه و

مغز اوست.»^۲

(ب) عاملان به اوامر الهی

قرآن عاملین به دستورات خدا را چنین معرفی می نماید:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ * الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»^۳؛ «و کسانی که ایمان آورده و کارهای

شایسته انجام دادند، آنان را در غرفه هایی از بهشت جای می دهیم که نهرها در زیر آن جاری

است، جاودانه در آن خواهند ماند، چه خوب است پاداش عمل کنندگان * همانها که (در برابر

مشکلات) صبر (و استقامت) کردند و بر پروردگارشان توکل می کنند.».

^۱ - رعد/۲۴ - 19.

^۲ - ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۴۴.

^۳ - عنکبوت/۵۸ و ۵۹.

در تفسیر آیه فوق چنین آمده است: «آنها از زن و فرزند و خانه جدا می‌شوند و صبر می‌کنند، مرارت‌های غربت را می‌چشند و صبر می‌کنند، آزار دشمنان را به جان می‌خرند و در راه مبارزه با نفس و دشمنان از انواع مشکلات استقبال کرده و صبر می‌کنند. آری این استقامت رمز پیروزی آنها و عامل بزرگ افتخار آنان است که بدون آن، هیچ عمل مثبتی در زندگی امکان پذیر نیست.»^۱

ج) متقی و صادق بودن

خداوند ضمن شمارش صفات پرهیزگاران، صبر صابران را نیز جزء آنها بیان می‌فرماید: «... وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»^۲؛ و آنها که در برابر فقر و بیماری و در میدان جنگ استقامت به خرج می‌دهند، اینها کسانی هستند که راست می‌گویند و اینها پرهیزگاراند.»

همچنین پس از ذکر داستان حضرت نوح $\Phi 7\Gamma$ و صبر او در برابر اذیت و آزار مردم خطاب به پیامبر $\Phi 9\Gamma$ می‌فرماید: «فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ»^۳؛ «صبر کن که عاقبت اهل تقوا نیکوست.»

د) افراد متواضع

خداوند در قرآن می‌فرماید: «... وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ»^۴؛ «متواضعان را بشارت ده» و در آیه بعد به صفات متواضعان اشاره می‌کند که صبر یکی از این صفات است. چنانچه می‌فرماید: «الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمُ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

^۱ - همان، ج ۱۶، ص ۳۳۱.

^۲ - بقره/۱۷۷.

^۳ - هود/۴۹.

^۴ - حج/۳۴.

يُنْفِقُونَ»^۱؛ «همانها که وقتی نام خدا برده می شود دلهایشان مملو از خوف خدا می شود و آنها که در برابر مصائبی که به آنان می رسد شکبیا و استوارند و آنها که نماز را به پا می دارند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند».

ه) نیکوکار

خداوند می فرماید: «إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»^۲؛ «هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و استقامت نماید، (سرانجام پیروز می شود)، چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند».

ذیل آیه آمده است: «کسانی که از کیفر الهی بیم و هراس داشته باشند و بر ترک گناه و انجام عبادات صبر کنند خداوند پاداش آنها را که نیکوکارند تباه نمی سازد».^۳

و) رستگاری صابران

قرآن در این زمینه می فرماید:

«إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا إِنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ»^۴؛ «ولی من امروز آنها را بخاطر صبر و

استقامتشان پاداش دادم، آنها پیروز و رستگارند».

ذیل آیه چنین آمده است که در جمله «أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ»، تأکید آن، تکرار ضمیر و جمله

اسمیه با این سه تأکید صابران رستگار هستند به فیوضات الهی، و واصل به نعمت های

بهشتی و بالاترین آنها قرب به مقام ربوبی و رضوان خداوندی است.^۵

^۱ - حج / ۳۵.

^۲ - یوسف / ۹۰.

^۳ - مترجمان، ترجمه جوامع الجامع، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۲۴۴.

^۴ - مؤمنون / ۱۱۱.

^۵ - سید عبد الحسین، طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۴۷۹.